

سويدبن غفلة

293 - 291

تحريك ايتاليا و ارتباط با مخالفان سويحلي درصدد توطئه برضد او برآمد. اين منطقه که از نظر راهبردی می توانست بر گسترش نفوذ و استیلاي نیروهای ایتالیایی بر طرابلس مؤثر باشد، برای سويحلي از اهمیت خاصی برخوردار بود. او در ذیحجه ۲۰/۱۳۳۸ اوت ۱۹۲۰ در رأس سپاهی به آنجا حمله کرد و پس از نبردی طاقت فرسا، عبدالنبی با کمک ایتاليا او را شکست داد و سويحلي در این جنگ در همان سال کشته شد. پس از او، نیروهای ایتالیایی به مصراة حمله کردند و نیروهای جهادی با جانشینی احمد سويحلي، برادر رمضان، به ریاست حکومت مصراة به مبارزه با اشغالگران ایتالیایی ادامه دادند (← زاوی، ص ۳۸۲-۴۰۴؛ اندرسون ص ۱۲۵-۱۲۶؛ واندوال، ص ۲۸؛ پروشین، ص ۲۰۴-۲۰۶).

منابع: ویلیام کلرنس اسکيو، اوربا و الغزو الايطالی للیبیا: ۱۹۱۱-۱۹۱۲، ترجمه میلاد مفرحی، طرابلس ۱۹۸۸؛ نیکالای ایلچ پروشین، تاریخ لیبیا: من نهاية القرن التاسع عشر حتى عام 1969، ترجمه عماد حاتم، بیروت ۲۰۰۱؛ خلیفه محمد تلیسی، معجم معارک الجهاد فی لیبیا: ۱۹۱۱-۱۹۳۱، [تونس] ۱۹۸۳؛ مجید خدوری، لیبیا الحدیثة: دراسة فی تطورها السیاسی، ترجمه نقولا زباده، بیروت ۱۹۶۶؛ طاهر احمد زاوی، جهاد الابطال فی طرابلس الغرب، لندن ۱۹۸۴؛ احمد محمد عاشوراکس، لمحات تاریخیة من النضال اللیبی المسلح ضد غزوات الاسبان و فرسان مالطا، الامریکان و الطلیان (1510 م- 1970 م)، طرابلس ۱۹۸۵؛ فرانچسکو مالجری، الحرب اللیبیة: ۱۹۱۱-۱۹۱۲، ترجمه وهی بوری، تونس ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ محمد محمد مفتی، الايام الطرابلسیة، طرابلس ۲۰۰۸؛ محمدیوسف مفریف، لیبیا بین الماضی والحاضر: صفحات من التاريخ السیاسی، بیروت ۲۰۰۴/۱۹۲۵؛ محمد عبدالکریم وافی، الطریق الی لوزان: الخفایا الدبلومیة و العسکرية للغزو الايطالی للیبیا، بنغازی ۱۹۸۸/۱۴۰۹؛ Ali Abdullatif Ahmida, *The making of modern Libya: state formation, colonization, and resistance*, Albany 2009; Lisa Anderson, "Ramadan al-Suwayhli: hero of the Libyan resistance", in *Struggle and survival in the modern middle East*, ed. Edmund Burke III, Berkeley: University of California Press, 1993; Dirk Vandewalle, *A history of modern Libya*, Cambridge 2006; John Wright, *Libya: a modern history*, London 1983.

/ محمد رضا شکیبا /

سُویدبن غَفَلَة بن عَوْسَجَه جَعْفی کوفی، از اصحاب و راویان احادیث امام علی علیه السلام. کنیه اش ابوامیه و از قبيله مدحج بود (ابن سعد، ج ۶، ص ۶۸؛ ابن قتیبه، ص ۴۲۷؛ قس

۱۹۱۹ طی چهار نبرد، تلفات سنگینی به آنها وارد کند. از این رو، ایتالیاییها که در ۱۹۱۹/۱۳۳۷ در موضع ضعف قرار داشتند، ناگزیر پس از مذاکرات صلح با رهبران طرابلسی در رمضان / ژوئن همان سال با انعقاد معاهده صلح و تعیین قانون اساسی موافقت کردند. قانون اساسی در چهل فصل نگاشته شد و اگرچه به طور کامل متضمن آزادی و استقلال طرابلس نبود، اما می توانست زمینه ساز استقلال کشور شود. بر اساس این قانون، شورایی متشکل از هشت تن، اداره حکومت طرابلس را برعهده گرفتند. شورای حکومت فعالیتش را در چهارچوب اختیارات قانونی انجام می داد، اما ایتالیاییها همواره درصدد ایجاد فتنه و انشعاب در شورای رهبری بودند. سويحلي نیز که به همراه سپاهیان در سوانی المشاشطه حضور داشت، با حمایت از قانون اساسی و نهضت ملی طرابلسیها، برای تثبیت امور تلاش می کرد (← زاوی، ص ۲۴۱-۲۴۲، ۳۴۷-۴۷۸؛ پروشین، ص ۱۹۵-۲۰۲؛ مفریف، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱).

در محرم ۱۳۳۸، فعالان سیاسی طرابلس حزب اصلاح گرای ملی (حزب الاصلاح الوطنی) را تأسیس کردند و احمدیگ مریم را به ریاست حزب و سويحلي را به ریاست افتخاری آن برگزیدند. آنان همچنین نشریه اللواء الطرابلسی (پرچم طرابلس) را به مثابه ترجمان رسمی و سخنگوی حزب بنیان نهادند. سويحلي از این حزب برای تقویت ملی گرایان و انعکاس مطالبات آنان در برابر اشغالگران ایتالیایی بهره برد. ائتلاف سه گانه حکومت ملی، حزب ملی گرا و ارتش ملی برای احقاق حقوق مردم و الزام ایتاليا به پذیرش قانون اساسی، موجب نگرانی بیشتر ایتالیاییها شد (← زاوی، ص ۳۷۸-۳۸۲؛ پروشین، ص ۲۰۲-۲۰۴؛ مفتی، ص ۱۵۴-۱۵۷). آنها حضور سويحلي و سپاهیان را در سوانی المشاشطه تهدیدی جدی برای خود و عامل تقویت حکومت مرکزی طرابلس می دانستند، از همین رو، درصدد توطئه و ایجاد اختلاف میان سران حکومت برآمدند. در چنین اوضاعی، سويحلي برای جلوگیری از توطئه و احتمال سوء قصد به او، به مسالته رفت. رفتن نیروهای سويحلي از سوانی المشاشطه برای ایتالیاییها پیروزی سیاسی محسوب می شد و آنها توانستند مداخلاتشان را در امور داخلی طرابلس افزایش دهند. سويحلي نیز که از ابتدای انعقاد صلح بنیادم به انگیزه ایتالیاییها در پذیرش و پایبندی به آن تردید داشت و از ایجاد فتنه و انشعاب در بین گروههای ملی گرانگران بود، کوشید تا مانع اختلاف بین آنها شود. اما عبدالنبی بن خیر که از ابتدای مذاکرات صلح به اُزفله منتقل شده و در آنجا سکونت داشت، با